



درسنامه‌ی درس ۱۴: ایران آباد



واژه های مهم املائی

ملک - گریزانیم - نیاکان باستانی - راست گوی - وطن - ملت - صنعت - دروغ - بهتان - احسان - حالیا - گفت و گو - هم فکری - بحث - میهن - جغرافیا - نخست - نظر - اصلی - مرزنشینان - برخاست - مناطق - محلی - گنجینه ای - ملی - اهمیت - زمینه های - معروف - سربلند - همبستگی - اتحاد - موق - رزمندگان - مقدس - شجاعانه - دفاع - دلاورانه - حفظ - خوش حالی - همدلی

واژه نامه

ملک : سرزمین - کشور - آب و خاک	باستانی : کهن - بسیار قدیمی	بهتان : تهمت	حالیا: اکنون - حالا	مشورت : نظر دیگران را خواستن	نخست : آغاز - ابتدا	صنعت : فن - حرفه
گریزان : بیزار بودن	درست پیمان : وفادار - درستکار	شریف : بزرگوار - دارای ارزش و اعتبار	حلوا : نوعی خوراکی که با آرد، روغن و شکر تهیه می شود	هم فکری : باهم درباره ی موضوعی فکر کردن	مرزنشینان : کسانی که در مناطق مرزی کشور زندگی می کنند	همبستگی : همراهی - همدلی - اتحاد
نیاکان : گذشتگان - پدران	وطن : میهن - کشور	احسان : نیکوکاری	افتخار : سربلندی	بحث : گفت و گو	ملی : مربوط به همه ی مردم یک کشور	باعث : دلیل - سبب
رزمنده : جنگجو - مبارز	دفاع : نگه داری و محافظت	دلاورانه : شجاعانه	بهر : برای	شبیبه : مانند	قل خورد : غلتید	با اهمیت : مهم

کلمه های مخالف

خوب ≠ بد	با اهمیّت ≠ بی اهمیّت	بادقّت ≠ بی دقّت
گذشته ≠ آینده	شجاعانه ≠ بزدلانه	آباد ≠ خراب
با ارزش ≠ بی ارزش	خوش حال ≠ ناراحت	زیاد ≠ کم

کلمه های هم خانواده

درس : تدریس - دروس - مدرّس	مناطق : منطقه	معروف : عارف - تعریف	حفظ : حافظ - محفوظ - محافظ - حفاظ
مشورت : مشاور - مشاوره	علم : عالم - معلوم - تعلیم - معلّم	اتّحاد : متحد	عمل : عامل - عملیّات - معامله
نظر : ناظر - نظارت - مناظره	صنعت : صنایع	مقدّس : قدس - قداست	شریف : شرافت - شرف

نکته ها

الف (الف) گاهی می توانیم با اضافه کردن (ی) به آخر بعضی از کلمه ها که به شغلی مربوط می شوند، کلمه های جدیدی بسازیم که محلّ کار آن شغل را معرفی می کنند.

مانند :

قصاب + ی ← قصابی

خیاط + ی ← خیاطی

بزاز + ی ← بزازی

عکاس + ی ← عکاسی

ب) فعل و فاعل در جمله

هنگام نوشتن هر جمله باید قسمت اول و قسمت آخر جمله با یک دیگر تناسب داشته باشند. به عبارتی باید بین فاعل (نهاد) و فعل تناسب برقرار باشد. اگر فاعل مفرد باشد باید فعل هم مفرد بیاید و اگر فاعل جمع است، باید از فعل جمع استفاده شود.

کودکان بازی می کنند
فاعل فعل

مثال : این کودک بازی می کند
فاعل فعل

با تغییر فعل در یک جمله می توان معنای آن جمله را عوض کرد.

مثال : علی رفت ← ← علی آمد ← ← علی خورد

گاهی فعل یک جمله ثابت است و فاعل را در یک جمله تغییر می دهیم.

مثال : علی رفت ← ← او رفت ← ← مادرم رفت